

● جهان مدرن و ده نویسنده بزرگ

● مالکوم برادبری^۱

● ترجمه فرزانه قوجلو

● نشر چشمه، چاپ سوم، ۱۳۸۶، ۳۶۲ ص، ۴۸۰۰ تومان

«سپس دوران تبعید آغاز شد، زمان جستجوی بی‌پایان برای ابراز حقانیت، دوران غم غربت بی‌هدف و دردناک‌ترین و اندوه‌بارترین پرسش‌های قلبی که از خود می‌پرسید: «کجا می‌توانم وطنم را بیابم؟»

آلبر کامو، یاغی

و این پرسش، شاید مهم‌ترین پرسش انسان، در جهان مدرن باشد؛ جهان مدرن قرن نوزدهم، جهانی که در آن، به قول مارکس، «همه چیز آستن ضد خویش است» و «هر آنچه سخت و استوار است دود می‌شود و به هوا می‌رود»، جهانی که در آن به قول نیچه، «خطر، این مادر اخلاقیات، ظاهر می‌شود - خطری عظیم... که این بار جایگاه آن به فرد انتقال یافته است، به نزدیک‌ترین و عزیزترین کسان، به خیابان، به بطن فرزند آدمی، به گنه دل آدمی، به کنه نهایی‌ترین زوایای میل و اراده آدمی».

و نویسندگان مدرنی که مالکوم برادبری در کتاب خود، در پی شناساندن آنهاست حاصل زایش چنین جهانی هستند، جهانی که به قول او، «برخی از بزرگترین و

۱. مالکوم برادبری (۲۰۰۰-۱۹۳۲) استاد دانشگاه، رمان‌نویس و یکی از منتقدین بنام انگلیسی است که در زمینه رمان مدرن تخصص دارد. از او کتاب‌هایی درباره سال بلو و ای. ام. فورستر نیز به چاپ رسیده است.

پراشوب‌ترین آثار ادبی و پاره‌ای از دردآورترین توصیفات و تصویرها از خودآگاهی و اضطراب مدرن ما را خلق کرد و تخیل عصر خود و دوران آتی ما را نیز، سمت و سوداد و پاره‌ای از بزرگترین آثار ادبی و وحشتناک‌ترین خیال‌ها را به ما هدیه کرد.^۱

کتاب جهان مدرن و ده نویسنده بزرگ دربردارنده یک مقدمه و ده فصل است که در آن‌ها به بررسی آثار اشخاصی همچون فنودور داستایوفسکی، هنریک ایبسن، جوزف کنراد، توماس مان، مارسل پروست، جیمز جویس، تی. اس. الیوت، لوییجی پیراندلو، ویرجینیا وولف و فرانتس کافکا پرداخته می‌شود. برادبری در هر فصل به معرفی نویسنده از خلال آثارش پرداخته و سعی کرده تا با بررسی یک اثر و تفسیر آن گامی در جهت شناخت نویسنده و شرایط نگارش آثارش بنهد. برادبری درباره معرفی کتاب و چرایی انتخاب چنین پروسه‌ای می‌نویسد: «این کتاب، بررسی شماری از بزرگترین نویسندگان همان جنبش مدرن است و نگاهی است به آثار و دستاوردهای آنان، روابط متقابل، تأثیر و درک آنان از جهان مدرن. این آثار، همانند جهان مدرن از ما دور نشده‌اند و اهمیت و تأثیر آنها هرگز به سر نمی‌رسد. حقیقت ارزشمند درباره این جنبش که در واقع شامل چندین جنبش می‌شود آنست که صرفاً جوهره و نگرشی نبود، صرفاً پاسخی به زمانه خود نبود بلکه دستاوردی خلاق و خارق‌العاده بود که در بسیاری جنبه‌ها با هیچ جنبش دیگری قابل قیاس نیست. کمتر دوره‌ای چنین هنر خارق‌العاده و پیچیده‌ای از خود به جا گذاشته است. از آنجا که در فوران بی‌سابقه دگرگونی هنری، جنبش از پی جنبش ظهور می‌کرد این دوره، زمان گردهم‌آیی سترگ نبوغ و کشف بود و اگرچه همان طور که من گفتم این جنبش قماری آوانگارد با آینده بود اما توانست احساس ما را به هنر و دیدگاه ما را نسبت به زندگی برای همیشه دگرگون کند. اگر بتوانیم این جنبش را بشناسیم، می‌توانیم مرکزیت آن و تجسم و تصور اضطرابی آن از بحران، حقانیت طنز تراژیک، و لزوم اضطراب و اساس ستیزش را با زمانه دریابیم.»^۲

البته برادبری، در این کتاب به دنبال نقد آثار این نویسندگان نیست. چه او در تمامی فصل‌ها به نوعی از زاویه تحسین به آن نویسندگان نگرسته و تنها به تجلیل و گرامیداشت و توصیف جایگاه آنها و آثارشان در جهان مدرن پرداخته به دور از آنکه ضعف‌های آثار آنها را بررسی کند و نکات مغفول مانده در رمان‌های آنها را برجسته نماید. او صرفاً توصیف می‌کند و شاید بدین طریق می‌خواهد خواننده، خود بعد از خوانش آثار این

۱. جهان مدرن و ده نویسنده بزرگ، مالکوم برادبری، ترجمه فرزانه فوجلو، نشر چشمه، ص ۱۲.

۲. همان، ص ۳۴.



جهان مدرن



نویسنده بزرگ

مالکوم براونبری
ترجمه فرزانه فوجلو

چنانچه بخواهید

نویسندگان، به نقد و قضاوت شخصی خود برسند؛ چنانکه در دوره مدرن نیز این پنجره به مخاطب گشوده می‌شود و هر کسی حق دارد تفسیر و تحلیل خود را ارائه دهد و آنگونه که می‌خواهد بیندیشد بدون آنکه در سیطره چهارچوب نقادانه سخت و محکمی قرار گیرد که بخواهد تفسیری واحد را جایگزین همه تفاسیر کند. به همین دلیل است که ما در هر فصل شاهد بررسی جز به جز عناصر جهان مدرن و یا توصیف دقیق شرایط و خلق اثر نویسندگان آن فصل نیستیم و جستجوی ما در دریافتن تقابلات جهان مدرن و نویسنده در هر فصل ناکام می‌ماند. اما از در کنار هم قرار دادن این پازل ده رنگ می‌توان حداقل به مهم‌ترین دغدغه‌ها و صورت مسأله‌های نویسندگان این دوره پی برد.